



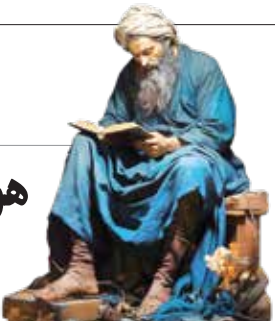
«جام جم» با نگاهی به رخداد‌های برجسته در گفت‌وگو با کارشناسان از عملکرد تلویزیون در رمضان و نوروز گزارش می‌دهد

نوروز ماندگار تلویزیون

صفحه ۸

چگونه از آیین‌ها و سنت‌ها در عصر انقلاب دیجیتال پاسداری کنیم

هوش مصنوعی، نیروی قدرتمند برای حفظ فرهنگ



«جام جم» از وضعیت فروش فیلم‌ها در سینما گزارش می‌دهد

سینما روی خط رکوردزنی



علی خلیلی، مجری «ساعت به وقت قدس» در گفت‌وگو با «جام جم»:

«قدس» دروازه زمین به آسمان است



زاویه دید

نگاه

ماه قرآن اشاره‌ای به بهترین‌ها

زان می‌عشق که زو پخته شود هر خامی
گرچه ماه رمضان است بی‌پایور جامی
قرآن واقعا کتاب زندگی است. نامه‌ای آسمانی که برای هرچه بهتر و زیباتر زیستن ما آمده آن هم با مزده حیات طیبه! یعنی خور مخاطبانش است.



علی مفا‌ره‌ری
آ‌ره‌ه فرهنگی و هنر

زندگانی ناب، پاک و دل‌خواه و دوست‌داشتنی. راستگویی بدون هیچ اغراق و بزرگ‌نمایی و دروغ که برخلاف دیگر متن‌ها و نوشتارها فقط به دانش‌افزایی خوانندگانش نمی‌پردازد بلکه روح و روان‌شان را ارتقا می‌دهد، وجود‌شان را می‌بالاید و جان‌شان را جلا می‌دهد و ذهنیت‌شان را دگرگون کرده زفا می‌بخشد، معنابخش کار و کوشش است و راهنما به روشن‌ترین راه‌هایی که در خور مخاطبانش است.

اما به فرمایش امام راحل (ره) قرآن را وقف مقبره‌ها کرده‌ایم! کتاب زندگی آمده زندگی‌ساز باشد، نه زینت مردگان و اهل قبور! این‌که چنین انحراف بزرگی کی و کجا این چنین زرف و مؤثر شد و جامعه اسلامی را از خودش و روشنایی و حیاتی‌اش یکسره دور و بیگانه کرد، سخن دیگری است اما به میراث بی‌همتای تمدنی‌مان که درست بنگریم، مگر به جز این است که دوران طلایی تمدن ایرانی اسلامی مشهور به دوران عروس جز با تمسک و توجه به قرآن، شکوفایی و تابندگی یافت؛ مگر صاحب‌نظران به تمدن ما عنوان تمدن کنایی نداده‌اند؛ تمدنی که برپایه فقط همین کتاب یگانه و بی‌همتا برپا و مانا شد!

آن همه تجربه‌های بی‌شمار بزرگان را درباره مکالمه‌های همیشگی و معاشرت‌شان با قرآن در حافظه کتاب‌های پرشمار که بازخوانیم، شگفت‌زده می‌شویم از آن همه برکت و روشنی و فی‌ریوزی و سعادت و به‌یروزی‌شان در همین زندگانی و آن همه ایمی‌بخشی قرآن در پست و بلند روزگار و... بسیاری برکت‌ها و شگفتی‌های عجیب. وقتی بزرگان فرزانه‌مان قرآن را ادبستان خدا می‌شمارند و بهترین‌ها مان را همد‌های این کتاب می‌دانند چرا ما از خوب‌ها نباشیم. وقتی این همه ناگزیر از خواندن هستیم چ‌رادر قرآن گشت و گذار نکنیم تا مگر به اندازه‌مان سر در بیاوریم که به راستی کتابی که کار بشر نیست، س‌ر‌آ‌خ‌ر چه می‌خواهد بگوید! وقتی بزرگان ما همان یگانه‌هایی که همیشه در همه روزگان ستایش‌گشان هستیم و به نام و یاد و آثارشان افتخار می‌کنیم، به روشنی اقرار می‌کنند هرچه کرده‌اند همه از دولت قرآن کرده‌اند، چرا ما از فرهیختگان و فرزانه‌گان مان بی‌نویزم! علامه حسن‌زاده (ره) چه نیکو بارها تاکید می‌فرمودند: ره، چنان رو که ره‌روان رفتند!

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

شکوفایی مجدد حوزه‌های علمیه



دکتر محمدقلی مجد، استاد دانشگاه پَنسیلوانیا در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» در مورد ثروت رضاخان در پایان دوران سلطنتش می‌نویسد: «... براساس اسناد وزارت خارجه و وزارت خزانه‌داری آمریکا رضاشاه حدود ۲۰۰ میلیون دلار در حساب‌های بانکی خود در خارج از کشور پول نقد داشت... توجه کنید که در سال ۱۹۴۱ کل گردش پول بانک صادرات و واردات آمریکا صدمیلیون دلار بود. در این زمان رضاشاه ۲۰۰ میلیون دلار پول نقد داشت. من تصور نمی‌کنم که راکفلر هم در آن زمان چنین پول نقدی در اختیار داشت...»
اما بازهم این روحانیت و علمای اسلام همچون امام خمینی (ره) بودند که به خوبی شرایط بحرانی مملکت و خواب‌هایی که استعمار برای غارت و چپاول آن دیده بود را درک کردند. از همین‌رو بود که پس از گریز رضاخان از کشور و با پدیدآمدن شرایط جدید سیاسی در کشور، امام طی نامه‌ای تکان‌دهنده، ملت مسلمان را به قیام علیه رژیم طاغوتی و برپایی حکومت اسلامی فراخواندند. در این نامه که به تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ به رشته تحریر درآمد (و اصل آن اینک در کتابخانه وزیری ب‌ز موجود است) ایشان ضمن افشای حکومت پهلوی، مردم را به قیام علیه آن دعوت کردند. در بخشی از آن اعلامیه آمده بود: «... قیام برای شخص است که یک نفر مازندرانی بی‌سواد (رضاخان) را بریک گروه چندمیلیونی چیره می‌کند که حرث و نسل آنها را دستخوش شهوات خود کند. قیام برای نفع شخصی است که الان چند نفر کودک خیابانگرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مثنی کودک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مرکز فحشا کرده. قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مثنی هرزه‌گرد کرده و نفس از هیچ‌کس در نمی‌آید.

در آن روزها مراکز علمی و دینی در نامطلوب‌ترین شرایط خود به سر می‌برد. دوران سرکوب رضاخانی این وضعیت را به فاجعه‌ای دهشتناک‌تر رساند به‌طوری که بسیاری از طلاب و روحانیون تحت شرایط وحشت و ترور رضا میرنج سوادکوهی، کسوت روحانیت و درس و تحصیل را رها ساخته و به شهرها و روستاهای خود بازگشتند، برخی از مدارس علمیه تعطیل شد و جلسات مذهبی و دینی به کم‌روفتی‌ترین میزان خود رسید. شرایط تحصیل علوم دینی به حدی دشوار و سخت بود که طلاب مقاوم برای بحث و فحص پیرامون مقولات علمی، راهی خارج از شهر می‌شدند تا در دشت و کوه و صحرا و به دور از چشم مأموران رضاخان، چراغ علوم دینی و مشعل حوزه‌های علمیه را روشن نگه دارند.

ازطرف دیگر استعمار از طریق نوکر دست‌نشانده‌اش یعنی رضاخان مرینج، هرآنچه می‌خواست به سر ملت مظلوم ایران می‌آورد، امپریالیسم غرب در زمان همین رضاخان بود که با قرارداد ننگین ۱۹۳۳، نفت ایران را برای مدت ۳۲ سال در اختیار گرفته و غارت کرد، همچنین با ضمیمه کردن ارارات شرقی به خاک ترکیه و رها کردن ارون‌درو (شط‌العرب) برای عراق به علاوه بخش قسمت وسیعی از خراسان، بلوچستان و سیستان به افغانستان، شرایط را برای شکل‌گیری پیمان استعماری سعدآباد فراهم آورد.
دانالد ویلبر در کتاب خود تحت عنوان «رضاشاه» نوشت: «...او که فرزند زمین‌داری کوچک و در سال ۱۳۰۰ با حقوق اندک زندگی می‌کرد، در زمان سلطنت خود، چنان ثروتی انباشته کرد که در زمان کناره‌گیری از سلطنت، سرمایه‌ای در حدود سه میلیون پوند انگلیس و بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمربع از بهترین زمین‌های کشاورزی ایران را در اختیار داشت.»

قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زن‌های عفیف مسلمان برداشت و الان هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی‌گوید... هان ای روحانیون اسلامی! ای دانشمندان دیندار!... امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید؟...»
پس از آن هم کتاب «کشف‌الاسرار» را به رشته تحریر درآوردند. حضرت امام در انتهای کتاب کشف‌الاسرار پس از ذکر آیاتی از قرآن و توضیح مفصلی درباب احکام و قواعد و قوانین اسلامی می‌نویسد: «... هم میهنان عزیز، خوانندگان گرمی، برادران ایمانی، جوانان ایران دوست، ایرانیان عظمت‌خواه، مسلمانان عزت‌طلب، دینداران استقلال‌خواه، اینک این فرمان‌های آسمانی است، این دستورات خدایی است، این پیام‌های غیبی است که خدای جهان برای حفظ استقلال کشور اسلامی و بنای عظمت به شما ملت قرآن و پیروان خود فرستاده، آنها را بخوانید و تکرار کنید و در پیرامون آن دقت نمایید و آنها را به‌کاد بنبدید تا استقلال و عظمت شما برگردد و پیروزی و سرفرازی را دوباره در آغوش گیرید...»^۲

کشف‌الاسرار درواقع نشانه روحیه مبارزاتی و انقلابی امام بود. در شرایط و وضعیتی که چندان اعتقادی به مبارزه صریح سیاسی و علنی نداشتند، با برنامه‌ای درازمدت، پیگیری تربیت روحانیون و شاگردانی آگاه و مبارز بودند تا بتوانند علم مبارزه را از درون حوزه علمیه بلند کنند. اینچنین بود که باز هم کید و مکر کانون‌های استعماری به خود آنها برگشت. از یک طرف مراجعی مانند آیت... العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت... سید حسین بروجردی به بازسازی حوزه علمیه قم همت گماردند. این درحالی بود که در سال‌های سرکوب روحانیت در ایران، هجرت برخی علمای اسلام به لبنان، جبهه‌های دیگر از روحانیت شیعه را در این کشور به وجود آورده بود تا در سال‌های بعد جبهه مقدم نبرد با اسرائیل شکل گیرد و البته حوزه علمیه نجف نیز به‌رغم نفوذ انگلیس همچنان فعال بود.

جریاناتی مانند جمعیت نهضت اسلام در سال ۱۳۰۱ یا اتحادیه اسلامی در سال ۱۳۲۴ یا جامعه تعلیمات اسلامی در سال ۱۳۲۲، حکایت بازگشت اسلام به عرصه زندگی و اجتماع بود.

اما فعالیت مجدد حوزه علمیه قم، نوید تجدید دوران پرشکوه استیلای تمدن و فرهنگ اسلام بر جهان بود. روحانیت و مرجعیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) مجدداً از درون همین حوزه علمیه قم به عرصه فعالیت اجتماعی آمد و فضایی همچون امام خمینی (رحمه... علیه)، علامه طباطبایی، استاد شهید مطهری و دکتر سید محمد بهشتی و آیت... سید علی خامنه‌ای از درون آن بیرون آمدند که پس از چند قرن با هم همه جهان را تحت تأثیر حرکت خویش قرار داده که با برپایی حکومت اسلامی، زمینه تشکیل دولت کریمه امام زمان (عجل... تعالی فرجه الشریف) را فراهم آورند.

۱. دکتر محمدقلی مجد - رضاشاه و بریتانیا براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا - ترجمه مصطفی امیری - موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی - چاپ اول - بهار ۱۳۸۹
۲. صحیفه امام - جلد ۱ - صفحه ۲۳ تا ۲۴
۳. امام خمینی (ره) - کشف‌الاسرار - بی‌بی‌بی‌جا - صفحه ۳۳۴



سید مستفائی
نویسنده و منتقد

تأثیر خود‌رسانیدند.

اما به‌رغم همه این تلاش‌ها نتوانستند روحانیت را منزوی سازند؛ روحانیتی که در تمام طول دوران قاجار و با وجود تمامی توطئه‌های آشکار و نهان عوامل فراماسونری در این دوران برای نابودی و انزوا و ایران، با تمام وجود در صحنه بود و به عنوان تنها نیروی مردمی و مقاوم در برابر همه آن توطئه‌ها ایستادگی کرد و مردم را به صحنه فراخواند؛ از ایستادگی در برابر قراردادهای خیانت‌آمیز و وطن‌فروشانه همچون رویت‌ر و رزی گرفته تا حضور همه‌جانبه در نهضت عدالتخانه ملت و مقابله با انحراف آن که توسط فراماسون‌ها به سفارت انگلیس کشیده شد تا مواجهه مستقیم با قشون انگلیس در زمانی که به‌طور رسمی به خاک ایران تجاوز کرده و آن را لگدنوب چکمه‌پوشان خودشان گردانیدند و تا ده‌ها و صد‌ها عملکرد و موضع‌گیری انقلابی و اسلامی دیگر که سرزمین ما را از پیچ‌های خطرناک تاریخی عبور داد.

تا این‌که همان کانون‌های استعماری صلیبی/ صهیونی تصمیم گرفتند رضاخان را تحت نام دیکتاتوری منور روی کار آورده و روحانیت را با سر نیزه سرکوب سازند.